

بررسی تعارض سند ۲۰۳۰ در مواجهه با

حدیث علو*

اباذر افشار**

مهدی موحدی‌نیا (نویسنده مسئول)***

چکیده

یکی از الزامات الحاق به کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی در جمهوری اسلامی ایران، موافقت محتوای آن با اسناد بالادستی نظام اسلامی به‌ویژه شرع و قانون اساسی می‌باشد. یکی از اسناد چالش‌برانگیز و محل مناقشه در سالیان اخیر، سند ۲۰۳۰ آموزش یونسکو و سند پشتیبان آن، یعنی سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ مجمع عمومی ملل متحد است. بر اساس دیدگاه مخالفان پذیرش سند ۲۰۳۰، این سند بر مبنای انگاره‌های لیبرالیستی و فردگرایی، سیاست‌های آموزشی فرهنگی خود را به کشورهای جهان تحمیل می‌نماید. از این‌رو، هدف مقاله پیش‌رو بررسی امکان تصویب سند ۲۰۳۰ از جنبه تقنینی و سیاست‌گذاری در برخورد با حدیث علو و برتری اسلام می‌باشد. نتایج این پژوهش حاکی از این است که طبق حدیث شریف «الاسلام یعلو ولا یعلی علیه»، هرگونه پذیرش و التزام به اسناد و پروتکل‌های بین‌المللی باید به نحوی باشد که منجر به سلطه غیرمسلمانان بر ساختار فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه اسلامی نگردد. در این بین، پذیرش سند ۲۰۳۰ خسارات جبران‌ناپذیری بر منابع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور جمهوری اسلامی ایران به همراه دارد و راه را بر تسلط بیگانگان هموار می‌سازد، بنابراین پذیرش سند ۲۰۳۰ در تنافی مطلق با آموزه‌های فقهی به ویژه حدیث شریف علو می‌باشد.

کلید واژه‌ها: اسناد بین‌المللی، سند توسعه پایدار، سند ۲۰۳۰، تقنین، حدیث علو.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۱۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۷ - نوع مقاله: علمی، ترویجی.

** دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد/ abazar.afshar@mail.um.ac.ir

*** دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران/ movahhedinia@gmail.com



مقدمه

سلطه نداشتن غیرمسلمان بر مسلمان و استقلال مسلمانان یکی از اصول مهم در انگاره اسلامی بوده است که از شاخصه‌های مهم این اندیشه می‌باشد. استقلال اسلام و مسلمانان به اندازه‌ای از اهمیت بوده است که خداوند متعال در آیات و روایات گوناگونی هرگونه تسلط غیرمسلمانان بر مسلمانان را غیر مجاز اعلام کرده است؛ از جمله این دسته از ادله می‌توان به آیه نفی سیبیل^۱، حدیث شریف علو(شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۴۴) و همچنین اجماع(موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۱۹۱) اشاره کرد.

از همین رو استقلال اسلام و برتری آن بر سایر اندیشه‌ها امری مسلم و غیرقابل انکار است، اما آنچه در این زمینه بر محققان لازم و ضروری به نظر می‌رسد تطبیق موارد و مصادیق خاص با این دسته از ادله کلی است و بر این اساس در مقاله پیش‌رو، از بین مستندات فوق، به بیان حدیث شریف علو پرداخته و تعارض آن را با سند توسعه پایدار ۲۰۳۰، مورد مذاقه و بررسی قرار می‌دهیم.

«توسعه» به معنای وسعت دادن و فراخی است؛ در معنای دیگر «توسعه» به معنای خروج از لفاف می‌باشد. توسعه به صورت فراگیر پس از جنگ دوم جهانی مطرح شده است.(یوسف‌پور و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۱) توسعه مفهومی است که طرفداران آن از دیرباز به آن را به عنوان کشتی نجات بشر معرفی نموده و برای اجرایی شدن آن برنامه‌های مختلفی را از جمله توسعه روستایی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، انسانی و توسعه پایدار در دستور کار قرار داده‌اند. سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ تازه‌ترین آن می‌باشد، اما نکته مهم این است که مفهوم توسعه و بسته‌های کمکی آن در واقعیت امر تا چه اندازه برای رهایی و نجات بشر از بند مشکلات و نابسامانی‌ها کارایی داشته و خواهند داشت؟ آیا توسعه و

۱. «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمُ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَتَمَنَّعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ «منافقان آنانی هستند که نگران و مراقب حال شمایند، چنانچه برای شما فتح و ظفری پیش آید (برای اخذ غنیمت) گویند: نه آخر ما با شما بودیم؟! و اگر کافران را فتح و بهره‌ای رسد به آنها گویند: نه ما شما را به اسرار مسلمانان آگاه کردیم و شما را از آسیب مؤمنان نگهداری نمودیم؟! پس خدا فردای قیامت میان شما و آنان حکم کند و خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود».(نساء: ۱۴۱)

بسته‌های کمکی آن، می‌تواند جوابگوی نیازها و ارزش‌های جوامع مختلف از جمله جوامع اسلامی در سطوح مختلف باشند.

موضوع تعامل این سند که از جمله اسناد بین‌المللی بوده و توسط مجامع غیر اسلامی تهیه و تدوین شده است، با ادله‌ای که حاکمیت و تسلط غیرمسلمانان بر مسلمانان را ممنوع تلقی کرده است از جمله موضوعات و مباحث محافل علمی بوده و اندیشمندان علوم انسانی اعم از علوم دینی و غیره را به چالشی بزرگ دعوت کرده است.^۱

این سند در جوامع اسلامی از مناظر گوناگون مورد بررسی قرار گرفته شده است و اندیشمندان مختلفی این سند را به بوته نقد کشیده‌اند. از جمله مقالاتی که در این زمینه تدوین شده می‌توان به مقاله «حق سلامت و بهداشت عمومی از منظر حقوق بنیادین بشر با تأکید بر سند ۲۰۳۰ یونسکو» نوشته آقایان یوسف باقری حامد، مهدی ذاکری امیری، پیمان بلوری و داود هرمیداس باوند و مقاله «چالش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سند توسعه پایدار (۲۰۳۰)» نوشته آقای سید محمد مهدی غمامی و خانم نیلوفر مقدمی خمایی اشاره کرد که به بررسی این سند پرداخته‌اند.

مقاله حاضر درصدد بررسی این موضوع است که آیا سند توسعه پایدار (۲۰۳۰) که توسط مجامع بین‌المللی تصویب شده است، آیا با ادله‌ای که حاکمیت غیر مسلمانان بر مسلمانان را نفی می‌کند، تعارض دارد؟ یا می‌توان برای اجرای این سند در جوامع اسلامی وجه جمعی یافت؟ آیا از حیث مفاد به ظاهر زیبایی که از آینده بشر ارائه کرده است، با آموزه‌های استبداد ستیز فقه و حقوق اسلامی تنافی دارد یا می‌توان این سند را همانند سایر کشورها در جوامع اسلامی نیز اجرا نمود؟ به دیگر سخن آنچه نوآوری مقاله پیش‌رو را نوید می‌دهد تحلیل و موشکافی مفاد سند ۲۰۳۰ از نقطه نظر تقنینی و قانونگذاری و

۱. به عنوان مثال آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی به عنوان یکی از مراجع تشیع این سند را سندی استعماری معرفی کرده است (<http://www.makarem.ir>) و یا آیت‌الله العظمی خامنه‌ای هم به عنوان رهبر جمهوری اسلامی و هم به عنوان یکی از مراجع تشیع در خصوص این سند در بیانات خود تصریح می‌کنند که در این سند موضوع استقلال جامعه اسلامی هم علاوه بر سایر مشکلاتی که دارد مدنظر است و کشورهای غرب با تصویب این سند در صدد این هستند که استقلال کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران را زیر پا بگذرانند. (<http://farsi.khamenei.ir>) تمامی این بیانات و اظهار نظرها مؤید این مدعاست که این سند و محتوای آن در میان اندیشمندان تشیع مورد بحث و بررسی قرار گرفته شده است و در غیر این صورت به صراحت در خصوص رد آن نظر داده نمی‌شد.





از دریچه قاعده علو می‌باشد. از این رو ابتدا مستندات و مفاهیم مستنبط از حدیث شریف علو تبیین و در ادامه به بررسی تعارضات آن با سند ۲۰۳۰ پرداخته می‌شود.

۱. قاعده علو

اسلام به عنوان اندیشه و مکتبی که عهده‌دار هدایت و زعامت بشر تا آخرین روز حیات خود بر این کره خاکی است، دستورات متعددی برای انسان داشته است که هر کدام برای بخشی از نیازهای بشر بوده است. یکی از دستورات اسلام، در ارتباط با تبادلات جامعه اسلامی با غیر مسلمانان است که متضمن حفظ استقلال و عزت جامعه اسلامی است. خداوند متعال به حاکمان اسلامی به عنوان کسانی که تنظیم‌کننده روابط میان جامعه اسلام و غیر مسلمانان هستند دستور داده است که در روابط خود به نحوی رفتار کنند که علو جامعه اسلامی حفظ شود. یکی از مهم‌ترین ادله‌ای که در این زمینه وجود دارد، حدیث شریف علو است که در این قسمت به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۱. ۱. مفهوم قاعده علو

یکی از روایاتی که در خصوص ارتباط جامعه اسلامی با غیر مسلمانان وارد شده است، حدیث شریف علو است. این روایت برای اولین بار در کتب شیخ صدوق رحمته الله علیه نقل شده است. مطابق این حدیث شریف، اسلام (نسبت به سایر مکاتب و ملل) همیشه برتری دارد و هیچ چیزی بر آن برتری ندارد و کافران به منزله مرده‌ها هستند، مانع از ارث دیگران نمی‌شوند و خودشان نیز ارث نمی‌برند. (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۴۴) البته باید اشاره کرد که نقل این حدیث شریف منحصر در این منبع و این محدث نبوده و منابع دیگر اعم از شیعه و اهل سنت به نقل این حدیث پرداخته‌اند؛ البته بخش پایانی حدیث محل اختلاف می‌باشد.

منابع اهل سنت این حدیث را بدون بخش پایانی آن نقل کرده‌اند و صرفاً جمله «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه؛ امام صادق علیه السلام فرمود: اسلام [از هر مکتبی] بالاتر و والاتر است و هیچ مکتبی بر آن، برتری ندارد» را بدون قسمت انتهایی آن نقل کرده‌اند (دارقطنی، ۲۰۰۴م، ج ۲: ۳۷۱)، ولی منابع شیعی به دو دسته تقسیم شده‌اند؛ برخی همانند شیخ صدوق رحمته الله علیه بخش انتهایی حدیث را نیز نقل کرده‌اند؛ «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه و الکفار بمنزلة الموتی لایحجبون و لایرثون؛ اسلام [از هر مکتبی] بالاتر و والاتر است و هیچ مکتبی بر آن، برتری ندارد و کافر به منزله میت است که حاجب نشده و

ارث نمی‌برد» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷: ۱۴۲) ولی برخی دیگر، مانند منابع اهل سنت صرفاً قسمت اول حدیث را نقل کرده‌اند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۱۹۱)

۲. ۱. بررسی سندی حدیث علو

لزوم بررسی سند حدیث از این رو است که بدانیم آنچه به ما رسیده است، از معصوم علیه السلام صادر شده است یا خیر؟ در این زمینه راهکارهای گوناگونی وجود دارد و نتیجه آن اطمینان از صدور یا عدم صدور یک حدیث از معصوم علیه السلام می‌باشد. یکی از متداول‌ترین روش‌ها بررسی سند و اتصال آن به معصوم علیه السلام می‌باشد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۶۲) اما صرف اتصال سندی یا عدم آن نمی‌تواند دلیل بر قبول یا رد یک حدیث باشد. باید توجه داشت که سند حدیث تنها به عنوان یکی از ادله انتساب یک حدیث به معصوم مورد توجه قرار می‌گیرد و در کنار سند ادله دیگری همانند محتوا و مضمون یک حدیث، عمل اصحاب و غیره هم می‌تواند در بررسی صدور یا عدم صدور یک حدیث نقش بسزایی داشته باشد، ولی در مقام نتیجه‌گیری محقق باید به مجموع ادله توجه داشته باشد و با در نظر گرفتن همه دلایل اعم از سند حدیث، محتوا و مضمون آن و غیره حکم به قبولی یا رد یک حدیث صادر کند. حدیث علو نیز از این قاعده مستثنی نبوده و برای اطمینان از صدور آن از معصوم علیه السلام باید از لحاظ سندی مورد بررسی قرار گیرد.

این حدیث به لحاظ سند، مرسل و ضعیف است؛ علت ارسال آن این است که شیخ صدوق رحمته الله به عنوان اولین راوی که این حدیث شریف را نقل کرده است، سلسله سند آن را تا امام معصوم علیه السلام نقل نکرده است. از همین رو این حدیث شریف به عنوان یک حدیث مقبول پذیرفته نمی‌شود؛ این در حالی است که به نظر نگارنده برای اعتبار یک حدیث نمی‌توان صرفاً به سلسله سند آن توجه داشت و باید به ادله دیگری که در این زمینه وجود دارد نیز توجه داشت و زمانی باید حکم به قبولی یا رد شدن یک حدیث داد که مجموع قرائن و ادله مورد بررسی قرار گرفته باشد. در خصوص حدیث علو شواهد و قرائن دیگری دال بر صحت وجود دارد که باعث شده است علما به مضمون آن ولو در فرض ارسال عمل کنند.

یکی از ادله‌ای که ارسال این حدیث را جبران می‌کند، عمل اصحاب است. (انصاری، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۱۰) دلیل دیگری که بر اعتبار این حدیث شریف می‌توان اقامه کرد، نحوه نقل آن از شیخ صدوق رحمته الله است. شیخ صدوق که از نخستین راویان این روایت است، در اعتبار این حدیث و اسنادش به معصوم علیه السلام جزم و یقین داشته است، چون گفته است





«قوله» و تعبیر «رؤی» را به کار نبرده است. بنای شیخ صدوق رحمته الله این گونه بوده است که تعبیر «قوله» را تنها در صورتی استفاده می‌کرده که جزم و یقین به استناد روایت از ناحیه معصوم علیه السلام داشته باشد و در این حدیث شریف از همین تعبیر استفاده شده است. (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۵۴۴) با توجه به مجموع قراین و ادله در خصوص انتساب این حدیث شریف به شخص معصوم علیه السلام علم حاصل می‌شود، از این رو اندیشمندان تشیع در خصوص این حدیث شریف با ملاحظه ارسال آن تعابیری همچون موثوق الصدور (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۱۹۰) و مستغنی از ملاحظه خبر (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۳۵۲) استفاده می‌کنند و لذا با ملاحظه جمیع ادله و آراء می‌توان گفت حدیث علو از ناحیه صدور با وجود ارسال مورد قبول می‌باشد.

۳.۱. بررسی دلالتی حدیث علو

این حدیث از دو قسمت تشکیل شده است؛ در قسمت اول، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به موضوع استعلائی اسلام و مداومت آن اشاره می‌کند و بیان می‌کند که احکام وضع شده در اسلام متضمن برتری اسلام و مسلمانان بر غیرمسلمانان می‌باشد. در قسمت دوم این حدیث برای اثبات ملازمه با قسمت اول به صورت صریح بیان می‌شود، چون اسلام برتر از سایر ادیان است، هرگونه عمل و رفتار یا قانونی که متضمن استیلائی غیرمسلمانان بر مسلمان شود از منظر اسلام مردود می‌باشد. (عمیدزنجانی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۳-۳۲)

با توجه به آنچه بیان شد باید گفت این حدیث شریف در مقام بیان وضع یک قاعده کلی است که در تمامی ابواب قابلیت جریان خواهد داشت، از این رو بر هیچ قانونگذاری در هیچ عرصه‌ای جایز نیست که قاعده و قانونی را به تصویب برساند که متضمن تسلط و برتری غیرمسلمانان بر مسلمانان شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۱۹۰) چرا که علو غیرمسلمان بر مسلمان شرعاً حرام است. (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۳۵۲) از جمله اندیشمندانی که در مقام استنباط احکام به این حدیث شریف استناد کرده‌اند، شیخ انصاری رحمته الله می‌باشد که در کتاب مکاسب ضمن نقل قول مشهور مبنی بر عدم جواز بیع قرآن به کافر، به این حدیث استناد کرده است. (انصاری، ۱۳۹۰، ج ۲: ۱۶۲) این استناد اختصاص به شیخ انصاری نداشته و قبل از وی بزرگان دیگری همچون شیخ طوسی رحمته الله هم در زمینه عدم تملک کافر نسبت به مسلمان، به این حدیث استناد کرده‌اند. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۶۷) اگرچه برخی معتقدند که این حدیث در مقام بیان حکمی تکلیفی نیست. (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۷۲۷-۷۲۵) اما به نظر می‌رسد با بررسی مفهوم این



حدیث باید گفت این حدیث شریف در مقام بیان یک حکم تکلیفی است، زیرا حکمی است که به صورت مستقیم به افعال مکلفین تعلق گرفته است و مراعات آن بر تمامی مراجعی که در مقام تصمیم‌گیری هستند اعم از مراجع حکومتی نظام اسلامی بر سایرین لازم و ضروری می‌باشد. مؤید این نظر، استنباط‌هایی است که از سوی فقهای همچون مرحوم صاحب جواهر صورت گرفته است که مطابق این استدلال فروش عبد مسلمان و مصحف شریف به کافر حرام می‌باشد. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲: ۳۳۴)

۴. ۱. ارتباط قاعده علو با قوانین و پروتکل‌های بین‌المللی

مطابق آنچه تاکنون بیان شد، ادله زیادی وجود دارد که هر کدام مبتنی بر ممنوع و حرام بودن هر نوع ارتباطی با غیرمسلمانان است که منجر به سلطه غیرمسلمانان بر امت اسلام گردد. یکی از این ادله، حدیث شریف علو است که سند و دلالت آن بررسی شد. مطابق این حدیث شریف در ارتباط میان مسلمانان و غیرمسلمانان، باید ارتباطات به نحوی باشد که اسلام همواره دست بالاتر را داشته باشد و حکومت اسلامی به هیچ عنوان اجازه ندارد قانون یا تعهدی را بپذیرد که نتیجه آن تسلط غیرمسلمانان بر جامعه اسلامی شود. باید توجه داشت که عمل به مفهوم این حدیث در نهایت منجر به رشد و بالندگی جامعه اسلامی خواهد شد، چرا که با عمل به مفاد این حدیث از یک‌سو هرگونه سلطه و استبداد در جامعه اسلامی ریشه‌کن می‌شود و از سوی دیگر با حفظ عزت اسلام و نظام اسلامی در نهایت به اعتلای ساختار اسلامی در جهان منجر می‌شود. بر اساس قاعده نفی سلطه، در تعامل سازنده مؤثر دولت اسلامی با دولت‌های غیرمسلمان باید سیاستی نه منفعلانه و نه تهاجمی بلکه تفاهمی دو سویه و اقتدارگرایانه اتخاذ شود. (ایزدی، ۱۳۸۲: ۵)

اهمیت و جایگاه این حدیث شریف به اندازه‌ای است که در جمهوری اسلامی ایران به عنوان اولین کشوری که بر اساس آموزه‌های فقه شیعه پس از زعامت اهل بیت علیهم‌السلام بر محوریت ولایت فقیه تشکیل شده است، چند اصل از اصول قانون اساسی به این مهم اختصاص داده شده است.^۱ در خصوص ارتباط این حدیث شریف با سند ۲۰۳۰ باید گفت

۱. اصل ۱۵۲: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.



به صورت کلی، احادیث راه گشای زندگی بشری هستند و همان گونه که در منابع حدیثی تشیع وارد شده است، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کلیات را به ما داده‌اند و در جزئیات و فروع، ما را ملزم کرده‌اند که با استفاده از آن کلیات، راه مناسب را پیدا کنیم. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۸: ۴۱) یکی از موضوعات مبتلابه در دوران کنونی، سند ۲۰۳۰ می‌باشد که مطابق با آموزه‌های تشیع باید با استفاده از اصولی که توسط اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است نفیاً یا اثباتاً در خصوص آن اظهار نظر شود.

۲. سند ۲۰۳۰

سازمان ملل متحد از بدو تأسیس، هدف خود را، حفظ صلح و امنیت و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی بیان کرده است که ممکن است منجر به نقض صلح در جهان شود (بند اول منشور سازمان ملل متحد). این امر از بدو تشکیل این نهاد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است و سازمان ملل از همان ابتدا بر این بوده که عدالت و همه‌گستری آن را سرلوحه خود قرار دهد (همان). در همین راستا بر اساس اختیارات خود اقدام به وضع قطعنامه‌ها و قوانین بین‌المللی کرده است که یکی از آن‌ها سند ۲۰۳۰ می‌باشد. برنامه آموزش ۲۰۳۰ برنامه‌ای فرا ملی و نسخه‌ای جهانی برای تحقق اهداف توسعه پایدار یونسکو می‌باشد. اهداف توسعه پایدار با عنوان رسمی دگرگون ساختن جهان ما، مجموعه‌ای از اهداف هستند که به آینده مربوط می‌شوند. این دستور کار که جایگزین اهداف توسعه هزاره شد، شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف فرعی است که نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم می‌کند.

تحقق توسعه پایدار در افق ۲۰۳۰ یکی از راهبردهای اصلی جهانی‌سازی و به حاشیه راندن دیگر فرهنگ‌ها و نظام‌های ارزشی از جمله فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی است که به کمک سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه یونسکو دنبال می‌شود. این نهاد بین‌المللی و دیگر آژانس‌های سازمان ملل تحت نظارت دولت دکترین امنیت آمریکا فعالیت می‌کنند؛ این موضوع در «دکترین امنیت ملی آمریکا» تصریح شده است. (کاردان، ۱۳۹۰: ۲۴۱)

اصل ۱۵۳: هر گونه قراردادی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است.



امنیت ملی ایالات متحده مجموعه‌ای از راهبردهای امنیتی، اقتصادی، سیاسی در حوزه‌های داخلی و خارجی راجع به چگونگی بهترین روش برای پیشبرد امنیت ملی این کشور است که از «دیپلماسی» و «توسعه» به عنوان ابزارهای مناسب برای تحقق اهداف آن یاد شده است.

بیانیه ریو پیرامون محیط‌زیست و توسعه، اجلاس جهانی سران در مورد توسعه پایدار، اجلاس جهانی سران در خصوص توسعه اجتماعی، برنامه عمل کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه، برنامه عمل پکن و اجلاس توسعه پایدار سازمان ملل متحد از جمله مقدمات تصویب این سند بوده است (بند ۱۱ سند توسعه پایدار ۲۰۳۰).

یکی از مهم‌ترین اسنادی که در تدوین سند ۲۰۳۰ نقشی حیاتی داشته است، سند اهداف توسعه هزاره است که به تصریح سند ۲۰۳۰، نقش مقدمه را برای این سند ایفا کرده است و در حقیقت زمینه‌ساز اهداف سند ۲۰۳۰ بوده است، چرا که سند ۲۰۳۰ در حقیقت جایگزین اهداف توسعه هزاره شده است (پیشگفتار سند توسعه پایدار ۲۰۳۰). در این سند نیز رهبران جهان در مورد مجموعه‌ای از هدف‌های قابل نیل در زمانی محدود و مشخص و هدف‌هایی برای مبارزه با فقر، گرسنگی، بیماری، بی‌سوادی، نابودی محیط‌زیست و تبعیض علیه زنان توافق کردند.^۱

۲. ۱. تعامل سند ۲۰۳۰ با قوانین داخلی

سند ۲۰۳۰ در آذرماه ۱۳۹۵ با حضور وزرای آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات و فناوری رونمایی شد؛ برخی از خبرگزاری‌های مدعی این بودند که این سند همانند سایر کشورها در ایران هم به مرحله اجرا رسیده است و در مدارس ایران اجرایی شده است.^۲ این در حالی است که خبرگزاری رسمی وزارت آموزش و پرورش به صورت رسمی منکر اجرای این سند در کشور شده است.^۳

مؤلفه‌های کلیدی در برنامه آموزش ۲۰۳۰ عبارت‌اند از: برابری و فراگیری بودن، دسترسی برابر، عادلانه و با کیفیت، برابری جنسیتی، کیفیت آموزش و یادگیری مادام‌العمر

۱. سازمان ملل متحد، هدف‌های توسعه هزاره و نقش سازمان ملل متحد، پرتال مرکز اطلاعات سازمان

ملل متحد، تهران: www.unic-ir.org

۲. خبرگزاری تسنیم: www.tasnimnews.com

۳. پرتال رسمی وزارت آموزش و پرورش: medu.ir



و همچنین مبارزه با خشونت و گسترش صلح. علاوه بر این، دولت‌ها موظف‌اند تا اهداف جهانی را در اهداف، سیاست‌ها، طرح‌ها و اقدامات ملی، چرخه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی نظام‌های آموزشی و آماده‌سازی منابع ادغام کنند. (بندهای سند توسعه پایدار ۲۰۳۰)

اندیشمندان شیعه که در خصوص این سند اظهارنظر کرده‌اند و مضامین آن را از جهات گوناگونی مورد نفی قرار داده‌اند، گاه به جنبه‌های آموزشی آن توجه داشته‌اند، گاه به جنبه استقلالی و گاه به جنبه‌های دیگر آن، اما در این مقاله مقصود نگارنده با توجه به حدیث شریف علو می‌باشد که در خصوص بیان دستورالعمل نحوه ارتباط میان کشورهای و دولت‌های مسلمان و غیرمسلمان سخن گفته است و بیان می‌دارد این ارتباط و تعامل باید به نحوی باشد که دولت اسلامی در جایگاه بالاتر قرار گیرد تا استقلال و عزت کشور اسلامی حفظ شود. از این رو در این مقاله از جنبه‌های آموزشی و فرهنگی سند ۲۰۳۰ چشم‌پوشی کرده و در خصوص موضوع حفظ استقلال و عزت جامعه اسلامی در مقابل سایر دولت‌ها سخن می‌رانیم و به بررسی تعامل محتوای این سند با حدیث شریف علو می‌پردازیم.

۲.۲. لزوم پذیرش سازمان‌های بین‌المللی غیر مسلمان به عنوان نهاد قانونگذاری در کشورهای اسلامی

اولین اصلی که در پذیرش سند ۲۰۳۰ برای کشورهای عضو لازم‌الاتباع تلقی می‌شود، اتخاذ سیاست تقنین بر اساس سیاست‌های سند توسعه یونسکو است.

مطابق این اصل تمامی قوانین کشوری که متعهد به این سند می‌باشند باید سیاست‌ها و برنامه‌های کلان خود را به نحوی تغییر دهند که مطابق و همسو با سیاست‌های کلی یونسکو باشد. این امر در عبارات و بندهای متعددی در سند ۲۰۳۰ ذکر شده است و کشورهایی که این سند را پذیرفته‌اند متعهد شده‌اند که اهداف جهانی را در اهداف، سیاست‌ها، طرح‌ها و اقدامات ملی چرخه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی نظام‌های آموزشی و آماده‌سازی منابع خود ادغام کنند. تمامی کشورهای عضو ملزم هستند که تقنین و سیاست‌های خود را به نحوی تنظیم کنند که علاوه بر اینکه ساختارهای خود را در نظام آموزشی و تقنین حفظ می‌کنند، سیاست‌های کلی سند ۲۰۳۰ را نیز در



برنامه‌های خود ادغام کنند.^۱ اگر چه اهداف این سند، در ظاهر اهدافی زیبا و بشردوستانه تلقی می‌شوند و نهایت آمال و آرزوهای بشر محسوب می‌شوند، اما باید توجه داشت تمامی دولت‌ها و ملت‌ها درصدد برخورد با فقر و بی‌سوادی هستند و هیچ دولت و کشوری نیست که در برنامه خود ترویج فقر را داشته باشد ولی احترام به تمامیت کشورها در قوانین بین‌المللی مهم‌ترین وظیفه تدوین‌کنندگان قوانین بین‌المللی می‌باشد.

این نکته اولین محل اختلاف و تعارض سند ۲۰۳۰ با قواعد اسلامی و قوانین جمهوری اسلامی می‌باشد. دو اصل اول و دوم قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی را یک نظام مکتبی معرفی کرده‌اند؛^۲ در اولین اصل از قانون اساسی مکتب اسلام به عنوان مکتب مقبول مردم ایران معرفی شده است و در اصل دوم به پایه‌ریزی و تبیین مبانی این مکتب پرداخته شده است.^۳ در ادامه، قانونگذار در اصل چهارم به صراحت می‌گوید باید مطابق قوانین اسلامی باشد.^۴

اسلامی‌بودن قوانین مصوب در جمهوری اسلامی ایران به اندازه‌ای از اهمیت برخوردار است که در متن قانون اساسی نهادی فراقوه‌ای برای نظارت به این امر اختصاص داده شده است. ذیل اصل چهارم قانون اساسی، نهادی به نام شورای نگهبان برای نظارت بر اسلامی بودن قوانین مصوب ایجاد شده است.^۵

اصول دیگری از قانون اساسی هم به این موضوع پرداخته‌اند؛ اصل‌های ۷۲، ۹۱، ۹۴ و ۹۶ قانون اساسی، به بیان مأخذ و منبع ناظر بر قوانین و مقررات حاکم در نظام جمهوری

۱. در متن آموزش ۲۰۳۰ حداقل ۲۳ بار در صفحات ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۴، ۵۷، ۶۳، ۶۷، ۷۲ و ۷۳ از تعهد کشورها به انجام اقدامات مختلف یاد شده است.

۲. اصل اول: حکومت ایران جمهوری اسلامی است...

۳. اصل دوم: جمهور اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: ۱. خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او...

۴. اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد.

این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

۵. اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.



اسلامی ایران از حیث لزوم ابتدای آنان بر اساس شریعت اسلام پرداخته شده‌اند که به جهت جلوگیری از تطویل کلام از بیان آن‌ها پرهیز می‌کنیم.

بر این اساس می‌توان به قطع و یقین گفت شریعت در اندیشه تقنینی اسلام نقشی اساسی دارد و مطابق همین آموزه‌های اسلامی اعم از حدیث علو، آیه نفی سبیل و غیره اندیشه اسلام و به تبع آن تقنین در جمهوری اسلامی به هیچ عنوان حاکمیت نهادی غیرمسلمان را نمی‌پذیرند. (اخوان کاظمی، ۱۳۹۲: ۶) این در حالی است که مطابق سند ۲۰۳۰ در صورت پذیرش این سند به عنوان یکی از اسناد لازم‌الاجرا در جمهوری اسلامی ایران، قوانین اسلامی که متخذ از منابع شریعت هستند باید کنار گذاشته شده و به حاشیه کشیده شوند و این سند که زاده دست بشر بوده و توسط مجامع غیرمسلمان پا به عرصه وجود گذاشته است باید محور قرار گیرد که دقیقاً در تضاد صریح با مفاد حدیث شریف علو می‌باشد. آنچه از حدیث شریف علو برداشت می‌شود، استقلال نظام اسلامی و عدم وابستگی به هیچ دولت و ملت غیرمسلمان است. علت این امر اعتلای اسلام و مسلمانان است، ولی در صورتی که بنای دولت اسلامی بر این باشد که برنامه‌های خود را با یک سند مصوب کشورهای غیر اسلامی و با مؤلفه‌های غیر اسلامی تطبیق بدهد، آموزه‌های اصیل اسلام که هدیه الهی برای تمامی بشر است به فراموشی سپرده می‌شود که این امر، خلاف تمامی آموزه‌های اندیشه تشیع می‌باشد که یکی از آن‌ها همان حدیث شریف علو است. عدم تبعیت از غیرمسلمان برای مسلمان در ادله بسیاری بیان شده است. به نحوی که در میان فقهای امامیه در این خصوص قاعده‌ای با نام قاعده نفی سبیل وضع شده است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۱۹۳)

این قاعده در فقه به عنوان ضابطی در تعیین روابط میان مسلمانان و غیرمسلمانان محسوب می‌شود که حافظ استقلال و عزت و شرافت جامعه اسلامی است. این قاعده مناسبات جوامع اسلامی و غیر اسلامی را در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... را تعیین می‌کند و با اجرای مفاد این قاعده هرگونه تسلط و برتری غیرمسلمانان بر امت اسلام نفی می‌شود که مراعات آن متضمن حفظ استقلال و عزت جامعه اسلامی خواهد بود. (رحمانی، ۱۳۸۲: ۶)



باید توجه داشت که این قاعده به جز حدیث شریف علو، مستندات دیگری از جمله آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء^۱ نیز دارد که در کتب فقها به صورت مبسوط بیان شده است. از این رو، از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، این سند دارای نقص‌هایی است؛ از جمله اینکه اصل ۷۷ قانون اساسی می‌گوید مجلس باید بر این قراردادها نظارت کند، در حالی که این سند اصلاً به مجلس نرفته است و هرگونه تعهد بین‌المللی که خلاف شرع و خلاف قانون اساسی باشد، نباید امضا شود. هر قراردادی که باعث شود، بیگانه بر منابع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ما مسلط شود، خلاف قانون اساسی است و شرعاً حرام است، زیرا کاپیتولاسیون آموزشی فرهنگی به‌شمار می‌آید. (فولادی، ۱۳۹۶: ۹۸-۷۳)

نکته مهم دیگر اینکه، در پروتکل‌ها و معاهدات بین‌المللی، ممکن است از ظرفیت حکم حکومتی بهره‌گیری شود و در اغلب موارد نوعی تشخیص مصلحت در تزامم بین احکام مختلف رخ می‌دهد؛ گاهی برخی از معاهدات و اسناد بین‌المللی منجر به توقف برخی از احکام اسلامی می‌گردد، یعنی هنگام تزامم در اجرای دو حکم، حکمی بر حکم دیگر ترجیح داده می‌شود. (کلانتری، ۱۳۷۸: ۱۲۱)

به لحاظ فقهی و حقوقی، اصل این تعهدات به دلیل اینکه ناسازگار با قانون اساسی ایران و خارج از حوزه اختیارات تعهدسپاران بوده است، قابل پیگیری است و در صورتی که عدم صلاحیت آن‌ها برای پذیرش تعهد اثبات شود، در این صورت تعهدات، الزامی نخواهند داشت. این در حالی است که در برخی از اسناد دیگر سازمان ملل، مانند کنوانسیون وین، در باب حق تحفظ‌ها آمده است: «حق تحفظ‌هایی که با روح سند سازگار نباشد، اعتبار ندارد.» یعنی با صرف قید کلمه حق تحفظ در سند مشکل حل نمی‌شود. ماده ۱۹ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات، بحث از اعلام تحفظ در معاهدات بین‌المللی می‌پردازد، در آنجا آمده است هر کشوری با سه شرط می‌تواند نسبت به یک معاهده اعلام تحفظ کند. شرط سوم از شروط سه‌گانه این است که «حق تحفظ با هدف و مقصد از معاهده ناسازگار نباشد.» (محلاتی، ۱۳۸۹: ۱۵۹)

۱. «منافقان آنانی هستند که نگران و مراقب حال شمایند، چنانچه برای شما فتح و ظفری پیش آید (برای اخذ غنیمت) گویند: نه آخر ما با شما بودیم؟! و اگر کافران را فتح و بهره‌ای رسد به آن‌ها گویند: نه ما شما را به اسرار مسلمانان آگاه کردیم و شما را از آسیب مؤمنان نگهداری نمودیم؟! پس خدا فردای قیامت میان شما و آنان حکم کند و خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود.» (نساء: ۱۴۱)



بنابراین، رعایت مصالح عمومی و حفظ و اجرای قوانین الهی، از مهم‌ترین اهداف اصلی است که رهبران جامعه باید در پذیرش اسناد بین‌المللی به آن اهتمام بورزند. مصلحت شرایط بسیاری دارد که فقه متکفل معین کردن آن‌ها است. (موحدی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۰۶-۵۸۱) از این رو خاستگاه مصلحت باید در خود فقه باشد نه اینکه سلايق فردی و یا منافع حزبی را به‌عنوان مصلحت جامعه اسلامی مطرح نماییم، بلکه ارتباط بین فقه و سیاست می‌تواند مصلحت و منافع ملی را از منظر انگاره‌های اسلامی به‌درستی تئوریزه کند.

۳.۲. مخالفت با نهادهای داخلی جمهوری اسلامی

اشکال دیگری که به سند ۲۰۳۰ وارد می‌شود، مخالفت صریح این سند با نهادهای داخلی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در این سند به کرات از عباراتی همانند مبارزه و نفی خشونت و ترویج صلح استفاده شده است. در بند هفت از هدف چهارم سند ۲۰۳۰ آموزش ذکر شده که تمامی یادگیرندگان باید دانش و مهارت لازم برای پیشبرد توسعه پایدار و در کنار آن سبک زندگی پایدار و آموزش حقوق بشر، تساوی جنسیتی، ارتقای فرهنگ صلح و مقابله با خشونت، شهروندی جهانی و احترام به تنوع فرهنگی را بیاموزند. (غمامی و مقدمی خمایی، ۱۳۹۸: ۱۹) این عبارت در ظاهر خود یک هدف عالی و بی‌نقص محسوب می‌شود و همانند ادیان الهی یک زندگی آرمانی را به بشر نشان می‌دهد. شکلی از زندگی که همواره آرزوی انسان بوده است. این سند در حالی به تصویب رسید که دنیا دو جنگ جهانی و جنگ‌های فرا منطقه‌ای عدیده‌ای را پشت سر گذاشته بود. جنگ ویتنام، کشتار مسلمانان توسط صربستان، جنگ عراق و افغانستان، جنگ تحمیلی ایران و خشونت‌های قاره آفریقا تنها نمونه کوچکی از خشونت‌هایی بوده که در طول دهه‌ها بشر شاهد آن بوده است در نهایت باید گفت هیچ نقطه‌ای از دنیا نبوده که از طاعون جنگ مصون مانده باشد. در همین راستا بشر برای مبارزه با بزرگ‌ترین معضل دنیای مدرن صلح را به بزرگ‌ترین آرزو و ارمان تبدیل کرده است و سازمان ملل متحد این وظیفه را برعهده گرفته است. (ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد)

در تمام دنیا هیچ بشری وجود ندارد که منکر زشتی جنگ و زیبایی صلح و آرامش باشد. هیچ انسانی نیست که خواهان جنگ و خونریزی و قتل و غارت باشد و صلح از اموری است که تمامی افراد بشر فارغ از نوع و نژاد بر مطلوبیت آن اتفاق نظر دارند. در سند ۲۰۳۰ بارها به موضوع نفی خشونت و ترویج صلح پایدار اشاره شده است که در

ظاهر می‌تواند از نقاط قوت این سند بین‌المللی باشد (بندهای هفتم، هشتم، چهاردهم، سند ۲۰۳۰)، اما باید توجه داشت این سند و عبارات آن توسط نهادهای بین‌المللی و غیرمسلمان به تصویب رسیده است و کسانی عهده‌دار تصویب آن بوده‌اند که خود در جهان سردمدار بزرگ‌ترین جنگ‌ها و خونریزی‌ها بوده‌اند و در هر قانون و عهدنامه‌ای جز منافع خود را لحاظ نمی‌کنند.

سند ۲۰۳۰ در موارد متعددی با قوانین داخلی ایران تعارض دارد؛ از جمله پاراگراف ۱۹ سند ۲۰۳۰ که در مورد احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی فارغ از جنسیت، گرایش و اعتقادات سیاسی و دینی است. این عبارت اگرچه ظاهری زیبا دارد، اما به موجب همین بند، جمهوری اسلامی باید تمامی فعالیت‌های گروه‌هایی مانند هم‌جنس‌گرایان، بهائیان و غیره را پذیرفته و مشروع تلقی کند، این در حالی است که مطابق اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تمامی قوانین باید مطابق قواعد مذهب تشیع باشند و هر قانونی که خلاف این اصل تصویب شود، اعتبار نخواهد داشت.

درباره بند ۹۰ (آموزش جامع جنسی به کودکان) باید گفت چنین آموزش‌هایی در فرهنگ اسلامی و ایرانی کشور ما جایی ندارد و اسلام برای تربیت و آموزش جنسی فرزندان برنامه‌های دقیق و متناسب با فطرت و نیاز انسان را ارائه می‌دهد. به عنوان نمونه آموزش فرزندان در زمینه احتلام، حیض و بلوغ، آموزش دوری والدین از آمیزش نزد کودک (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۲۰۱)، جدا نمودن بستر کودک از والدین (دارقطنی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۳۲۱)، جلوگیری از تماس بدنی با کودک (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۴۳۶)، جلوگیری از دیدن اندام او توسط دیگران (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۵۰۳) و آموزش جنسیت و پرورش هویت جنسی کودک که شامل شناخت او از اعضای مختلف بدنش، ادراک احساسات، هیجان‌ات، ارزش‌ها و خواسته‌های مرتبط با جنسیتش است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۴۱۲) از جمله مواردی است که در روایات به عنوان آموزش جنسی کودک نام برده شده است.

شارون اسلاتر^۱ معتقد است آموزش جامع جنسیتی یکی از بزرگ‌ترین نقض‌های بین‌المللی در قبال سلامت و منافع کودکان است که با اصرار فراوان کشورهای توسعه‌یافته و همکاری سازمان ملل در اهداف فرعی سند ۲۰۳۰ گنجانده شده است.

۱. مدیر عامل مؤسسه بین‌المللی دیده‌بان خانواده و عضو انجمن حقوق خانواده سازمان ملل متحد.





این اصطلاح، نه تنها آموزش سنتی را که رفتار نرمال و سالم جنسی را آموزش می‌داد، نقض می‌کند، بلکه با بیان مطالب صریح و بی‌پرده، رفتارهای جنسی پرخطر و بی‌قاعده را به کودکان می‌آموزد. غایت نهایی این برنامه، تغییر هنجارهای جنسی و جنسیتی و به‌زعم نویسندگان سند ۲۰۳۰، تغییر سبک زندگی به سمت زندگی پایدار و محو کلیشه‌های جنسیتی است. (Slater, ۲۰۱۶, p ۱۶)

آنچه سبب نگرانی از لزوم آموزش چنین محتوایی در مدارس می‌شود، عبارت است از نادیده‌گرفتن اقتضائات سنی، شخصیتی روانی و جسمی کودکان و نوجوانان و ارائه این اطلاعات به صورت فراگیر و در منظومه آموزش برابر و مادام‌العمر به همگان! (غمامی و مقدمی خمایی، ۱۳۹۸: ۱۸)

در این سند، راهبرد و مدیریت به عهده کشورهای پیشرفته قرار داده شده است و این کشورهای پیشرفته غربی هستند که سیاست‌های کلی را در این سند برای سایر کشورها تنظیم می‌کنند و سایر کشورها عملاً باید تمامی سیاست‌ها گذشته خود را کنار گذاشته تابع بی‌چون‌وچرای این دسته از کشورها شوند. این در حالی است که کشورهای پیشرفته دنیا عملاً سازمان‌های بین‌المللی را به نهادهایی تبدیل کرده‌اند که در راستای سیاست‌های آن‌ها گام بردارند.^۱

یکی از اقدامات سازمان‌های بین‌المللی و کشورهایی که مطابق این سند، رهبری کشورهای دیگر را برعهده دارند، تعیین سازمان‌ها و گروه‌هایی است که نقش ایجاد خشونت در جهان را دارند. این اصل در ظاهر می‌تواند در رفع خشونت و تبعات منفی آن در جهان نقش مؤثری را ایفا کند، اما کشورها با این اقدام عملاً سوء استفاده‌های سیاسی کرده و صرفاً منافع خود را در آن مدنظر قرار داده‌اند نه اقدامات حقیقی نهادها و گروه‌های حامی خشونت و تروریست را.

به عنوان نمونه یکی از رفتارهای دولت‌های غربی و آمریکا، قرار دادن سازمان‌های رسمی کشورهای ایران به‌ویژه سپاه پاسداران در لیست سازمان‌های تروریستی و حامی خشونت می‌باشد. همچنین گروه‌های مختلفی از جمله حزب‌الله لبنان، حماس فلسطین و... را نیز

۱. در متن آموزش ۲۰۳۰ حداقل ۲۳ بار در صفحات ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۴، ۵۷، ۶۳، ۶۷، ۷۲ و ۷۳ از تعهد کشورها به انجام اقدامات مختلف یاد شده است اگرچه در متن سند به موضوعاتی همچون احترام به حقوق ملت‌ها و حفظ استقلال نیز اشاره شده است اما در کنار آن برتری کشورهای دیگر و نهادهای بین‌المللی که عملاً در اختیار چند کشور خاص می‌باشد.



در این لیست قرار داده‌اند. حتی اقداماتی که سال‌های اخیر توسط دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران در جهت صلح جهانی انجام شده است نیز نتوانسته از فشار این رفتارها بکاهد و وزارت خارجه ایالات‌متحده در روز پنجشنبه دوم ژوئن ۲۰۱۶ در گزارش سالانه خود درباره تروریسم جهانی اعلام داشت، حکومت ایران با وجود رسیدن به توافق جامع با قدرت‌های جهانی بر سر برنامه هسته‌ای خود، همچنان اصلی‌ترین کشور حامی تروریسم در جهان است.^۱ این اقدامات ادامه داشت تا جایی که ایالات‌متحده به‌صورت رسمی در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که ایران همچنان در رأس کشورهای حامی تروریست قرار دارد.^۲

از منظر انگاره‌های اسلامی، دستورالعمل‌هایی که جوامع انسانی برای تکامل زندگی بشر وضع کرده‌اند یا قوانینی که توسط مجامع داخلی هر کشوری به عرصه اجرا می‌رسد می‌تواند برای مردم لازم‌الاجرا باشد و نیازی نیست که هر قانون و عبارتی در اندیشه اسلام به‌عینه و در مورد هر مصداقی به‌شخصه وارد شده باشد که مورد تأیید اندیشه اسلام باشد، چرا که موضوعات و مصادیق در هر لحظه و هر زمان متغیر بوده و به فراخور زمان و اندیشه و فرهنگ‌ها متفاوت هستند. در هر دوره و زمان، مردمان برای زندگی متعارف خود می‌توانند اقدام به تقنین کنند؛ البته در این زمینه اسلام به‌عنوان یک مکتب سیاسی دستورات کلی دارد که مقنن در نظام اسلامی باید توجه کند که قوانین موضوعه با این اصول کلی تعارض نداشته باشد که یکی از این اصول کلی، برتری اسلام و حفظ استقلال جامعه اسلامی بر جوامع و ملل غیرمسلمان است که مفهوم و مقتضای حدیث شریف علو می‌باشد. (ر.ک: انصاری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۰۹)

چنانچه توسعه و بسته‌های کمکی آن به خصوص سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ با مبانی و اهداف فقه اسلامی در تعارض بوده و این سند علاوه بر اهداف ظاهری خویش، دارای اهداف باطنی شوم و استعماری نیز می‌باشد. (یوسف پور و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۷)

از طرف دیگر، الگوی توسعه اسلامی با خصوصیات برجسته‌ای که دارد الگوی قابل‌پذیرش و جامع بوده و دارای منشأ وحیانی است که روابط انسان‌ها را در تمام حوزه‌ها به‌صورت مطلوب تنظیم می‌نماید، درحالی‌که الگوهای دست‌ساخته بشر خالی از این

۱. Fact Sheet: Designation of Iranian Entities and Individuals for Proliferation Activities and Support for Terrorism.

۲. Country Reports on Terrorism ۲۰۱۶.



ارزش می‌باشند. (حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۰۴-۹۵) با توجه به آنچه بیان شد، در صورت پذیرش و التزام به اجرای سند ۲۰۳۰ توسط حکومت‌های مسلمان، علی‌الخصوص نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، تبعاتی که از آن ناشی می‌شود می‌تواند فاجعه‌بار باشد و از جنبه‌های مختلف این سند در حقیقت پایه‌ها و ارکان کشورهای اسلامی را مورد توجه قرار داده است و درصدد این است که کشورهای اسلامی را به کلی وابسته به دولت‌های غربی کند که این امر در تضاد کلی با مفهوم ادله و مبانی است که در مفاهیم اسلامی وارد شده است که یکی از آن‌ها حدیث شریف علو می‌باشد. از این رو هم تصویب و هم ملتزم شدن به اجرای این سند نمی‌تواند منافع جمهوری اسلامی ایران را به گونه‌ای تضمین کند که با اجرای قانون مهم و رعایت مصلحت جمعی قابل قبول باشد، ضمن اینکه از سوی دیگر موجب تسلط و برتری جوامع غیرمسلمان بر مسلمانان می‌شود که دقیقاً در تضاد با مفهوم حدیث شریف علو می‌باشد.

نتیجه‌گیری

جهان در دوره‌ای به سر می‌برد که مشکلاتی نظیر فقر، جنگ، بی‌سوادی و غیره در تمامی گوشه و کنار جهان وجود دارد و بشر برای برون‌رفت از معضلات پیش روی خود ناچار به اتحاد و کنار گذاشتن اختلافات است. در این میان نقش مجامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل و سازمان‌ها و نهادهای زیرمجموعه آن از همیشه بیشتر است. تدوین اسناد بین‌المللی برای ایجاد عزم و وحدت جهانی یکی از بهترین اتفاقات قرن اخیر است. هیچ‌کدام از آموزه‌های فقهی نافه‌چنین وحدتی نیست، اما زمانی که سازمان‌های بین‌المللی که برای ایجاد وحدت جهانی تشکیل شده‌اند، مقاصد سیاسی پیش‌گرفته و برای منافع دولت‌های خاصی قدم بردارند، یا در تدوین برنامه‌ها و سندهای پیش رو، سیاست‌های از پیش تعیین‌شده‌ای را مد نظر قرار دهند. اسلام به عنوان سیاستگذار در تمامی ابعاد زندگی یک فرد مسلمان، اجازه تعدی به حقوق جامعه مسلمان را به غیرمسلمانان نمی‌دهد، بلکه با ادله‌ای همچون حدیث علو برای حاکم اسلامی مشخص کرده است که در تدوین روابط بین‌المللی با کشورها و سازمان‌های غیرمسلمان باید به نحوی عمل کند که اقتدار و عزت جامعه اسلامی حفظ شود. سند ۲۰۳۰ هم از این قاعده مستثنی نبوده و در تدوین آن اگرچه نقاط روشنی برای پایان دادن به سیاهی‌های فقر و بی‌سوادی به چشم می‌خورد، اما در واقع کشورهای سلطه‌طلب قصد دارند با استفاده از این ظواهر زیبای سند ۲۰۳۰ ولی در باطن فریبنده، عملاً تسلط خود را بر ملت‌ها گسترش

دهند که در این میان آموزه‌های فقهی از جمله قاعده علو مانع این گونه سلطه‌گری‌ها می‌شود.

منابع و مأخذ:

- ابراهیم‌زاده، عبدالله (۱۳۸۵)، حاکمیت دینی، ج ۳، تهران: انتشارات زمزم
- هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق علیه السلام.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۲)، دیپلماسی و رفتار بین‌المللی در اسلام، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۳۸۵)، *فرائد الاصول*، ج ۸، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- _____ (۱۳۹۰)، *کتاب المکاسب*، ج ۱۱، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- ایزدی، جهانبخش (۱۳۸۲)، خاستگاه تئوریک عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصل‌نامه مطالعات سیاسی روز، س ۳، ش ۱۰، ص ۶۲-۷۹.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۱)، *صحیح البخاری*، المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، ج ۹، قاهره: جمهوری مصر العربیه.
- بهرامی، قدرت‌الله (۱۳۸۷)، *امام خمینی از دیدگاه مقام معظم رهبری*، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، مرکز تحقیقات اسلامی.
- حرعالمی، محمد بن حسن (۱۴۱۶)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: موسسه آل‌البتیت علیهم السلام لاحیاء التراث.





- حسینی، میر عبدالفتاح (۱۴۱۷)، *العناوین الفقهیه*، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۶)، *مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی*، قم: پژوهشگاه فرهنگ اسلامی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸)، *کتاب البیع*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- دارقطنی، نعمان بن دینار البغدادی (۱۴۲۹)، *سنن الدارقطنی*، ج ۵، بیروت: انتشارات دار الفکر.
- صدوق، علی بن الحسین بن بابویه القمی (۱۴۱۳)، *من لایحضره الفقیه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
- طوسی، علی بن حسن (۱۳۸۷)، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران: مکتبه الرضویه.
- فولادی، محمد (۱۳۹۶)، «*بررسی انتقادی سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ یونسکو؛ آثار و پیامدهای آن*»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۳۱ ص ۹۸-۷۳.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، «*قاعده نفی سبیل*»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۶، ص ۲۵۴-۲۳۱.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۳)، *قواعد فقه: بخش حقوق خصوصی*، انتشارات سمت، ج ۱، ۵، تهران.
- غمامی، سید محمد مهدی؛ مقدمی خمایی، نیلوفر (۱۳۹۸)، «*چالش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سند توسعه پایدار (سند ۲۰۳۰)*»، مجله حکومت اسلامی، ش ۹۱، ص ۳۲-۵.
- کاردان، عباس (۱۳۹۰)، *آمریکا ۱۰ (ویژه بررسی اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا پس از جنگ سرد)*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

- کلانتری، علی اکبر (۱۳۷۸)، حکم ثانوی در تشریح اسلامی، قم: بوستان کتاب.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، اصول کافی، مترجم و شارح: هاشم رسولی، مصطفوی جواد، تهران: انتشارات اسلامی.

- کمیسیون ملی یونسکو-ایران (۱۳۹۵)، آموزش ۲۰۳۰، به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه «چارچوب عمل ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران»، تهران: انتشارات کمیسیون ملی یونسکو.

- موحدی‌نیا، مهدی و همکاران (۱۳۹۷)، «اصول و قواعد بنیادین فقهی حاکم بر مذاکره»، فصلنامه پژوهشهای فقهی، دوره ۱۴، ش ۳، ص ۵۸۱-۶۰۶.

- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹)، القواعد الفقهیه، ج ۱، قم، انتشارات اسماعیلیان.

- موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۹۶)، قواعد فقهیه، تهران: مجد.

- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۲)، جواهرالکلام، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۲)، مستدرک سفینه البحار، تهران: مؤسسه البعته، قسم الدراسات الاسلامیه.

- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.

- یوسف‌پور، احمد و همکاران (۱۳۹۶)، «تحلیلی بر سند ۲۰۳۰ یونسکو»، دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی، تهران، مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه، ص ۱۸-۳.

- technical report by the Bureau of the United Nations Statistical Commission (UNSC) on the process of the development of an indicator framework for the goals



and targets of the post-۲۰۱۵ development agenda – working draft

– Nancy J. Cook, "Stories of Modern Technology Failures and Cognitive Engineering Successes", CRC Press, ۲۰۰۷, PP۷۷.

– Slater, Sharon, "An Analysis of the UN ۲۰۳۰ Sustainable Development Agenda; The Hidden Threat to Life, Family, and Children".

